



۱۳۸۷ / ۲ / ۱۸۱



چاپ و صحافی آموزگار

بهبهان - خیابان جوانمردی (خرور)، کوچه مقابل بانک تجارت - ۲۲۲۲۲۲۹

چاپخانه آموزگار

۹۸۲۶۴

دانشگاه پیام نور - کتابخانه مرکزی
بخش نشریات

PIR	شماره ثبت
۵۰۹	شماره هنرمند
۸۵,۹,۴	شماره رکورد

دانشگاه پیام نور اصفهان



عنوان:

تحلیل ادبیات منظوم کارگری از ۱۳۲۰ - ۱۳۳۲ ش ۰۵

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته ادبیات فارسی



استاد راهنما:

دکتر محمد رضا نصر اصفهانی

استاد مشاور:

دکتر علی زمانی

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۱۹۹

نگارش:

نسرین زاده حسن

اسفند ۱۳۸۴

۹۸۲۶۴



شماره :.....-۰۳۰۳

تاریخ.....

پیوست.....

دانشگاه پیام نور

جمهوری اسلامی ایران

وزارت علوم ، تحقیقات و فن آوری مرکز اصفهان

صورت جلسه دفاع از پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان : تحلیل ادبیات کارگری (نظم) از ۱۳۲۰-۱۳۳۲ ه.ش

که توسط خانم نسرین زاده حسن دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

مرکز : اصفهان تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید میباشد.

نمره ۱۹،۲۵ نوزدهم شهریور ۱۳۸۷ درجه ارزشیابی : عالی

تاریخ دفاع : ۸۴/۱۲/۲۴

اعضای هیات داوران :

نام و نام خانوادگی :	هیات داوران :	مرتبه علمی :	امضاء :
۱- دکتر محمد رضا نصر اصفهانی	استاد راهنما	استاد یار	
۲- استاد راهنمای همکار			
۳- دکتر علی زمانی	استاد مشاور	استاد یار	
۴- ممتحن داخلی			
۵- دکتر جمشید مظاهری	ممتحن خارج از دانشگاه	استاد یار	
۶- نماینده گروه آموزشی			

تغییرات لازم:

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۱۱

اصفهان - کیلومتر ۵ خیابان آیت اله اشرافی اصفهانی (کهنده) دانشگاه پیام نور

تلفن: ۵-۷۳۸۰۰۰۳ و ۷۳۸۰۰۰۷ و ۷۳۸۱۰۰۲ دورنگار : ۷۳۸۱۰۰۲

دانشگاه پیام نور - مرکز اصفهان

گروه زبان و ادبیات فارسی

تقدیم به همه ی کسانی که اندیشه ی انسانی دارند
و به انسان می اندیشند +

و

به آنکه عظمت و صلابت خورشید را به من آموخت
پیش از آنکه خواندن کتاب را فراگیرم
پدرم

و به آن کس که درباره اش گفته اند :
با دست چپ گهواره را تکان می دهد و
با دست راستش زمین را
مادرم

۱۳۸۷ / ۲ / ۹ / ۵۲

کتابخانه عمومی
شهرستان کرمان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	
پیشگفتار	۱-۵
فصل نخست: کلیات	
الف: ادبیات کارگری چیست؟	۶-۱۰
ب: نگاهی به پیشینه ی ادبیات کارگری پیش از ۱۳۲۰	۱۱-۱۷
پ: نگاهی به اوضاع سیاسی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲	۱۸-۲۴
ت: نخستین آرا و نظریات کمونیستی	۲۵-۲۹
ث: جنبش های کارگری در جهان	۳۰-۳۳
ج: جنبش های کارگری در ایران	۳۴-۴۱

فصل دوم: بررسی و تحلیل شعر کارگری مطبوعات

الف: مروری گذرا بر تاریخ مطبوعات ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۰	۴۲-۴۵
ب: مطبوعات ایران و احزاب سیاسی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲	۴۶-۵۱
پ: بررسی اشعار کارگری در روزنامه های حزب توده در این دوره	۵۲-۶۶
ت: تحلیل اشعار کارگری در مطبوعات از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲	۶۷-۷۰

فصل سوم: بررسی و تحلیل مجموعه های شعر کارگری از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲

۱- فرخی یزدی

زندگینامه	۷۱-۷۴
سبک، شیوه و قالب اشعار	۷۵-۷۷
موضوع و مضمون اشعار کارگری	۷۸-۸۹
تحلیل اشعار کارگری	۹۰-۹۵

۲- ابوالقاسم لاهوتی

زندگینامه	۹۶-۹۸
سبک، شیوه و قالب اشعار	۹۹-۱۰۳

- موضوع و مضمون اشعار کارگری ۱۰۴-۱۲۵
تحلیل اشعار کارگری ۱۲۶-۱۳۳

۳- قهرمان پاک بین ملایری

- زندگینامه ۱۳۴-۱۳۵
سبک و شیوه ی شاعری ۱۳۶
موضوع و مضمون اشعار کارگری ۱۳۷-۱۴۳
تحلیل اشعار ۱۴۳-۱۴۷

۴- فریدون توللی

- زندگینامه ۱۴۸-۱۵۰
سبک ، شیوه و قالب اشعار ۱۵۱-۱۵۴
موضوع و مضمون اشعار کارگری ۱۵۵-۱۶۵
تحلیل اشعار کارگری ۱۶۶-۱۷۲

۵- هوشنگ ابتهاج

- زندگینامه ۱۷۳-۱۷۵
سبک ، شیوه و قالب اشعار ۱۷۶-۱۷۹
موضوع و مضمون اشعار کارگری ۱۸۰-۱۸۶
تحلیل اشعار کارگری ۱۸۷-۱۹۳

۶- اسماعیل شاهرودی

- زندگینامه ۱۹۴-۱۹۵
سبک ، شیوه و قالب اشعار ۱۹۶-۲۰۰
موضوع و مضمون اشعار کارگری ۲۰۱-۲۱۱
تحلیل اشعار کارگری ۲۱۲-۲۱۷

۷- احمد شاملو

- زندگینامه ۲۱۸-۲۲۰

سبک ، شیوه و قالب اشعار	۲۲۱-۲۲۳
موضوع و مضمون اشعار کارگری	۲۲۴-۲۳۶
تحلیل اشعار کارگری	۲۳۷-۲۴۴

۸- محمد علی افرشته

زندگینامه	۲۴۵-۲۴۶
سبک ، شیوه و قالب اشعار	۲۴۷-۲۴۹
موضوع و مضمون اشعار کارگری	۲۵۰-۲۶۷
تحلیل اشعار کارگری	۲۶۸-۲۷۱

۹- منوچهر شبانی

۱۰- محمد علی جواهری (رواهیچ)

۱۱- نیما یوشیج و شعر کارگری

نتیجه گیری	۲۹۷-۲۹۹
فهرست لغات و اصطلاحات سیاسی	۳۰۰-۳۰۳
فهرست منابع و مآخذ	۳۰۴-۳۱۰

چکیده

یکی از شاخه های ادبیات معاصر که پس از انقلاب مشروطه در ایران پدید آمد و رشد کرد، ادبیات کارگری یا ادبیات محرومان است.

در این دوره، عده ای از شاعران سنت گرا و نوآور معاصر، شعر را حربه خلق نمودند تا از این طریق جایگاه واقعی انسان را به او بشناسانند و شعر را نه برای خط و خال معشوق که برای تسکین درد ستمدیدگان به خدمت گیرند.

در این پژوهش شعر شاعرانی را که در بین سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ با رویکرد به اندیشه ی چپ و توجه به وضعیت نا به سامان محرومان و کارگران و دفاع از حقوق پایمال شده ی آنها سروده شده است، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده ایم.

در این رساله علاوه بر بررسی دیوانها و مجموعه های شعری شاعران، اشعار کارگری مطبوعات آن دوره بویژه مطبوعات وابسته به حزب توده را نیز، بررسی و تحلیل کرده ایم. پس از آن به معرفی هر کدام از شاعران و بیان سبک و شیوه ی شاعری آنها و بررسی مضامینی که عمدتاً در ادبیات کارگری اهمیت دارند، پرداخته و در پایان نیز اشعار کارگری آنها را تحلیل کرده ایم.

بدیهی است برای آشنایی بیشتر خوانندگان ارجمند و آگاهی از پیشینه ی ادبیات کارگری در شعر معاصر در قسمت کلیات، پس از تعریف ادبیات کارگری، پیشینه ی شعر کارگری در ادبیات فارسی بیان شده است و سپس به معرفی مختصر نخستین شاعران کارگری پرداخته ایم، علاوه بر آن برای مزید اطلاع خوانندگان گرامی مروری گذرا بر نخستین جنبش های کارگری در ایران و جهان و وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در طول این دوازده سال کرده ایم.

در بخش پایانی نیز به بیان نتایج کلی حاصل از این پژوهش و مختصات کلی ادبیات کارگری در این دوره پرداخته ایم.

پیشگفتار

دوره ی معاصر، یکی از دوره های بی سابقه در تاریخ ادبیات فارسی است. تحولاتی که در اندیشه و افکار ایرانیان بر اثر آشنایی با تمدن و پیشرفتهای اجتماعی و سیاسی کشورهای غربی ایجاد شد، منجر به انقلاب مشروطیت و تأسیس مجلس و ۱۳۰۰ در ایران شد. از این پس همه چیز با مردم و اجتماع ارتباط پیدا کرد، و از آنجاییکه به قول ویکتور هوگو " قاطع ترین نتیجه ی یک انقلاب سیاسی، یک انقلاب ادبی است"، علاوه بر اینکه شکل و قالب شعر تحول پیدا کرد، محتوا نیز دگرگون شد. بنابراین " ادبیات هم مثل دیگر مظاهر اندیشه و فرهنگ، به مردم روی آورد و انعکاس ارزشهای اجتماعی را وجهه ی همت خود قرار داد." [۱۳۹، ص ۱۴]

در دوران مشروطه، علاوه بر رواج مضامینی راجع به تجدد، آزادی، وطن پرستی و... توجه به احوال طبقات کارگر و دهقان نیز - که پیش از آن در ادبیات فارسی رواج نداشت - در شعر و ادب وارد شد. توجه به نیازها و خواسته های اقشار فرودست و مستضعف جامعه که تا حدودی نیز متأثر از انقلاب اکتبر روسیه و جریانهای ادبی و اجتماعی این کشور بود، شاخه ای جدید را در ادبیات فارسی ایجاد کرد که معمولاً با نام " ادبیات کارگری" یا " ادبیات محرومان" از آن یاد می شود.

ادبیات این دوره وقتی در مجاورت انقلاب روسیه و تحت تأثیر اندیشه های کارگری حاکم بر ادبیات بلشویکی قرار می گرفت... رنگ و بوی طرفداری از محرومان یا، به اصطلاح آن روز، کارگران و زحمتکشان را پیدا می کرد و آثار ادبی را نسبت به گروههای برخوردار و بالای جامعه کینه ورز و مهاجم نشان می داد. صفت غالب شعر عصر بیداری و ادبیات کارگری، خصلت ضد بورژوازی است.

تأکید بر عدالت اجتماعی، توجه به قشرهای پایین جامعه و اختلافات طبقاتی، عمده ترین شاخصه های این نوع ادبیات است. از مسائل مورد توجه شاعرانی که در این حوزه شعر می سرودند، عمدتاً: مساوات طلبی، عدالت خواهی، ظلم ستیزی، آزادی خواهی، مبارزه جویی، حمایت از مبارزان و مخالفان رژیم پهلوی و... است.

در نظر شاعران کارگری ادبیاتی ارزشمند است که مبتنی بر واقعیت بوده و به سود طبقه ی زحمتکش جامعه جریان یافته باشد. در واقع شاعران و نویسندگان به نوعی "رنالیسم سوسیالیستی" در ادبیات روی آوردند.

"از نخستین سالهای ظهور فکر مشروطه خواهی، ادبیات کارگری در قلمرو شعر ایران تولد یافت." [۸۷، ص ۳۷] ولی با شروع دیکتاتوری رضاشاه این نوع ادبیات رشد نکرد و شکوفا نشد. لیکن بعد از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط متفقین و به پادشاهی رسیدن محمدرضاشاه، آزادی نسبی ایجاد شد. و با تشکیل احزابی چون حزب توده بود که، زمینه ی رشد ادبیات کارگری در ایران فراهم شد و در این دوره شعر کارگری به اوج شکوفایی خود رسید. البته این نیز "دولت مستعجل بود" و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ باز هم استبداد سیاهی سراسر ایران را فرا گرفت و بار دیگر این ادبیات دچار رکود و ایستایی شد.

در شعر بسیاری از شاعران این دوره به صورت دوره ای یا پیوسته و ثابت می توان اشعاری با مضمون دفاع از کارگران و رنجبران و دهقانان مشاهده کرد و کم و بیش شعر بیشتر شاعران را خصوصاً در بین سالهای (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) تحت تأثیر قرار داد.

با وجود تأثیر نسبتاً زیاد اندیشه چپ بر ادبیات این دوره، تا به حال پژوهشی مستقل در این باره صورت نگرفته است. از آنجاییکه هنگام بررسی ادبیات معاصر خلأ نبود پژوهشی در این زمینه احساس می شود، نگارنده را بر آن داشت که با وجود کمبود امکانات و محدودیتها، به بررسی و تحلیل شعر کارگری در دوره ای که می توان آن را دوره ی اوج شکوفایی ادبیات کارگری دانست، پردازد. در این تحقیق، پس از بررسی اجمالی شعر کارگری پیش از ۱۳۲۰، به بررسی و تحلیل اشعار کارگری نشریات چپ گرای بین ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ پرداخته، و در فصل بعد مجموعه های شعری و دیوان شاعرانی را که به اندیشه ی چپ و کارگری گرایش داشته و به این نوع ادبیات توجه داشته اند، بررسی شده است.

اما در اینجا یادآوری چند نکته را لازم می دانم:

۱- از ویژگی های این دوره رشد و گسترش چشم گیر اندیشه های کارگری در میان روشنفکران و شاعران است که در شعر شاعران نمود پیدا کرده است؛ شاید یکی از دلایل استقبال از این اندیشه، تناسب بعضی از شعارهای عدالت خواهانه و مساوات طلبانه ی سوسیالیستها با اصول و اندیشه های اسلامی است. دین اسلام همواره زمینه های عدالت خواهی و عدالت جویی را داشته است؛ اصول دین اسلام و تاریخ صدر اسلام می تواند بهترین مثالهای مساوات، برابری و عدالت خواهی را به ما نشان دهد. در دینی که پیامبرش دست کارگر را می بوسد، و امام خمینی (ره) به تبعیت از ایشان می گویند: من دست کارگر را می بوسم، پر است از تعلیماتی چون "الملک ببقی مع الکفر ولا یبقی

مع الظلم " یا " ان اکرمکم عند الله اتقیکم " یا " انما المؤمنون اخوه " ، ما رأیت ثروه موفوره الا و فی جانبها حق مضیع و ۰۰۰

و از سوی دیگر پیشوایان دینی چون امام علی (ع) نیز همگان را به عدالت و برابری فرا می خواندند و به صراحت بیان می کردند: من بیش از یکبار و در موقعیتهای گوناگون از رسول خدا شنیدم که می فرمود: " هیچ امتی روی پاکیزگی نخواهد دید مگر آنکه در آن امت ضعیف بتواند حق خود را از قوی بدون لکنت زبان بگیرد " [۹۷، ص ۴۳۹]

در دین اسلام تأکید بر این است که هیچگونه تفاوتی بین سیاه و سفید نیست و امامان و پیامبران ما همواره در پی مبارزه با فقر و تلاش برای برقراری عدالت هستند و طرفداران آن هر کجا که ندای عدالت را سر می دادند با آنها هم صدا می شدند.

نمونه ی دیگر از احادیث با مضمون مخالفت با فقر و مبارزه با آن عبارتند از: القبر خیر من الفقر ، ما جاء فقیر الا بما مطع غنی ، ان العقل مذله للنفس و مدیشه للعقل و ۰۰۰

سوسیالیستها نیز با آگاهی از این مسائل و عمق اندیشه های مذهبی در جان و روح ایرانیان " برای جلب مردم مسلمان علاوه بر اینکه در هر مناسبت مذهبی ، مقالاتی انتشار می دادند، در ارگان خود می نوشتند: " حزب توده هرگز راهی را که منافی با دین اسلام باشد ، نمی پیماید " [۲۹، ص ۲۰۸]

۲- در بخش بررسی مطبوعات دوره ی مورد نظر، از یک سو به دلیل از بین رفتن بعضی از نشریات مربوط به این دوره و نبود نسخه ایی از آنها در کتابخانه های معتبر ایران مانند کتابخانه های ملی ، مجلس و کتابخانه ی دانشگاه تهران ، و از سوی دیگر به علت تنوع و وسعت مطبوعات این دوره همه ی نشریات این دوره بررسی نشده است و چنین کاری نیز ، خود ، از حوصله ی این تحقیق خارج است و رساله ای مستقل را می توان به آن اختصاص داد . لذا ما در اینجا به بررسی معروفترین نشریات حزب توده پرداخته ایم .

۳- در بخش بررسی مجموعه های شعری شاعران به بررسی و تحلیل دیوان فرخی یزدی نیز پرداخته ایم . هر چند این شاعر در سال ۱۳۱۸ در زندان به قتل رسید ، لیکن با توجه به اینکه یکی از شاعران شاخص ادبیات کارگری است ، به طور مبسوط در آغاز بخش بررسی اشعار شاعران به بررسی اشعار او پرداخته ایم .

۴- از آنجاییکه اندیشه های سوسیالیستی در ایران به شکل جدید با فعالیتهای حزب توده همراه گردید و این حزب در جریان شکل گیری خود آرام آرام به سوی اتحاد شوروی متمایل شد و برخی از چهره های آن به حامیان بی چون و چرای سیاستهای روسیه مبدل شدند ، طبیعتاً خیانتها و ستم هایی در لباس خدمت به ملت و فرهنگ ایران انجام دادند که مجال بررسی آن در این پایان نامه

نبوده است . پس ما صرفاً به بررسی شاعرانی که در میانه ی ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ در حوزه ی ادبیات کارگری فعالیت داشته اند ، پرداخته ایم . و هیچ توجیه و دفاعی بر رفتار و موضع گیری های قابل انتقاد حزب توده در جریان حرکت های سیاسی بویژه در تقابل با اندیشه های اسلامی صورت نگرفته است . البته با تمام تلاش و وقتی که برای این رساله صرف شده ، از پاره ایی کاستی ها خالی نیست . و از آنجاییکه هیچ تحقیقی کامل نیست ، امیدوارم که اساتید محترم با دیده ی اغماض در آن نگرسته و با راهنمایی های ارزنده ی خود اینجانب را در رفع نواقص و کاستی های آن یاری نمایند .

در پایان لازم می دانم از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر محمد رضا نصر اصفهانی و استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر علی زمانی که با راهنمایی های ارزنده و مشفقانه ی خود یاریگر اینجانب در تدوین این پایان نامه بوده اند ، کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم . همچنین از دیگر اساتید و دوستان که در جمع آوری مطالب و منابع مرا یاری دادند ، سپاسگزارم

اصفهان _ اسفند ۱۳۸۴

فصل اول : کلیات

ادبیات کارگری چیست؟

این تعبیر، اصطلاحی است که از میانه‌ی قرن ۱۹ میلادی به بعد، پس از تفسیرهای مارکس و انگلس از جامعه و تقسیم جوامع به برده داری، فئودالیسم، سرمایه داری و ۰۰۰ رایج گردید. کارل مارکس، اندیشمند یهودی الاصل آلمانی است، که در آغاز به فلسفه پرداخته بود و تحت تأثیر فوئر باخ به ماتریالیسم رسیده بود. او پس از مشاهده و مطالعه‌ی جوامع آنروز اروپایی به ویژه انگلستان و فرانسه و فاصله‌ی طبقاتی حاکم بین مردمان فقیر و ثروتمند، به مطالعات اجتماعی - اقتصادی روی آورد. و با تفسیر مادی تاریخ، سیر تحولات اجتماعی را از کمون اولیه به سوسیالیسم و سپس کمونیزم امری جبری و تحت تأثیر عوامل محتوم دانست. به نظر او موتور حرکت دهنده‌ی تاریخ ابزار تولید است که در جوامع سرمایه داری به صورت فزاینده و ماشینی شده، در اختیار سرمایه داران قرار می‌گیرند. و رفته رفته به بیکار شدن کارگران می‌انجامد. بنابراین تفسیر اجتماعی - تاریخی، کارگران و دهقانانی که در فقر دهشتناکی فرو رفته اند، برای گرفتن حق خویش جبرا به قیامهای سوسیالیستی می‌پردازند. آنها با ایجاد جامعه سوسیالیستی حقوق از دست رفته‌ی خود را احیا می‌کنند.

بر این اساس ادبیات کارگری به آن دسته از آثار ادبی در قالب شعر، داستان، طنز، نقد و ۰۰۰ گفته می‌شود که از تلاش کارگران و رنجدیدگان برای دستیابی به حقوق از دست رفته شان سخن می‌گوید، و سعی در بیداری آنها دارد. به گفته‌ی لنین، ادبیات کارگری چنین تفسیر می‌شود: "ادبیات آزادی که نه در خدمت [وزنه‌های] قهرمان بی‌نیاز است و نه در خدمت ده هزار نفر طبقه‌ی بالای مسخ شده از دردهای پرخوری؛ بلکه در خدمت میلیون‌ها و دهها میلیون کارگرانی است که گل سرسبد فردا و آینده‌ی مملکت می‌باشند."

یکی از پژوهشگران ادبیات معاصر ایران در تعریف ادبیات کارگری گفته است: "علاقه و اشتیاق شاعران برای نشان دادن خواستها و نیازهای توده‌ی مردم و آشنایی گروهی از ایرانیان با جریانهای ادبی و اجتماعی که در آستانه‌ی انقلاب اکتبر در روسیه‌ی تزاری می‌گذشت، سبب شد که

شاخه ای از ادبیات به ویژه در شعر عصر بیداری، نیازهای توده‌ی مردم را موضوع اصلی خود قرار دهد^{۱۰۰} که از آن با عنوان "ادبیات کارگری" یا ادبیات محرومان یاد می‌کنیم^{۱۰۱} [۱۳۹، ص ۱۸].

مهم‌ترین خصوصیت ادبیات کارگری، پیوند نزدیک آن با واقعیت و حقیقت زندگی است^{۱۰۲} "ادبیات و هنر زحمتکشان همیشه ساده و بی‌پیرایه است^{۱۰۳} و در آن هر چیزی که برای زندگی مفید است^{۱۰۴} زیبا" شمرده می‌شود^{۱۰۵} و از آنجایی که زحمتکشان همیشه با زندگی واقعی سر و کار دارند، الزاما واقع‌گرا و رئالیسم هستند^{۱۰۶} [۳، ص ۹].

گرایش به واقعیت و رئالیسم از زمانی به طور مشخص در هنر و ادبیات دیده شده که انسانها نیاز شدیدی را به شناخت واقعیت جامعه و روابط پیچیده‌ی آن و چگونگی تغییرات اجتماعی پیدا کردند^{۱۰۷}.

"از نخستین سال‌های ظهور فکر مشروطه خواهی، ادبیات کارگری در قلمرو شعر ایران تولد یافت^{۱۰۸} در روزنامه‌های آن دوره، جابه‌جا، مزدک‌گرایی و ادبیات بلشویکی را می‌توان به چشم دید، از عشقی که در ۱۳۳۵ قمری می‌گوید:

برنیکی رسم مزدک آگاه منم
وان کس که بود رهبر این راه منم
پیغمبر دین و آدمیست، اول
حقا که بود مزدک و آنگاه منم

تا بعضی از روزنامه‌ها که ویژه‌ی مسائل کارگری بوده است از قبیل روزنامه‌ی آموزگار که در ۱۳۲۰ قمری نشر می‌شده است^{۱۰۹} این روزنامه در هر شماره مقداری ادبیات کارگری دارد از قبیل:

ای رنجبران بی‌بصری تا کی و تا چند؟
غفلت ز حقوق بشری تا کی و تا چند؟
آخر به تفکر نظری ســـــوی اجانب

ز اوضاع جهان بی‌خبری تا کی و تا چند؟^{۱۱۰} [۸۷، صص ۳۷ و ۳۸].

در ایران زمان مشروطه، ما همان شرایطی را می‌بینیم که چند صد سال پیش از آن در اروپا وجود داشت^{۱۱۱} در اینجا نیز بورژوازی داشت در مقابل فتودالیسم قد علم می‌کرد و باز همان توجه به علوم و ایجاد مدارس و انتشار روزنامه و کتاب و برخورد آرا و عقاید را می‌بینیم^{۱۱۲} در واقع نطفه‌های رئالیسم را در این دوره می‌توان دید^{۱۱۳}.

با توجه به تفاسیر اجتماعی فوق، گرچه نمی‌توان عین تحولات و تغییراتی را که در جوامع اروپایی اتفاق افتاده، در ایران ببینیم، اما پاره‌ای از حوادث تاریخی و رویکرد اجتماعی ایران به تجدید و صنعت موجب می‌شود که نمونه‌هایی از تحولات شبه‌اروپایی را در این کشور مشاهده کنیم^{۱۱۴}.

در ایران، در زمان مشروطه که بورژوازی و رئالیسم داشتند در کنار هم رشد می کردند، هنر و ادبیات ما هم مثل خود جامعه وضع بسیار آشفته ای داشت. بورژوازی ما تجاری بود و در قسمت تولیدات صنعتی و کارخانه ها رشد چندانی نکرده بود و به همین علت طبقه ی کارگر هم خیلی ضعیف و محدود بود. بورژوازی ما در آن موقع فقط می خواست با شرکت در حکومت و گرفتن مجلس و گذاردن قوانینی به نفع خودش، آزادانه تر به کسب و کارش برسد؛ و گرنه آنقدر قدرت نداشت که مثل زمان انقلاب کبیر فرانسه، بخواهد اقتصاد کشور را هم به دست بگیرد و تغییر بدهد. [۱۰۷، ص ۲۳]

در این زمان افکار نو از طریق اروپا و به خصوص از طریق کارگران ایرانی که در قفقاز بودند به ایران منتقل می شد. شاعران و نویسندگان ما در این دوره تحت تأثیر این افکار به سرودن اشعار و نوشتن داستانهایی پرداختند که مضمونش را از اندیشه های مارکسیستی و چپ که در آن روزها ذهن همه را به خود مشغول کرده بود، قرار گرفتند.

"بارقه های اندیشه و ایده ی چپ، پس از آشنایی ایرانیان با فرهنگ مغرب زمین، به میهن ما رسید و تا حدی در ادب مشروطه تأثیر گذار شد. شاعران مشروطه عارف، بهار، نسیم شمال، عشقی و لاهوتی هر یک، تا اندازه ای ربهوده ی فکر انقلابی و اجتماعی شدند. در این میان "لاهوتهی" که در پی یک شورش نافرجام، ناگزیر به مهاجرت به شوروی سابق شد، یکی از مصداق های ادبیات سوسیالیستی و کارگری گشت و به شاخصیت رسید." [۹۳، ص ۱۵۹]

هنر و ادبیات ما در آن دوره گاهی به بچه ی کوچکی شبیه بود که می خواهد حرفهای گنده تر از دهان خودش بزند، یعنی از نظر ارزش ادبی در سطح پایینی بود ولی از لحاظ محتوا مسائلی در آن مطرح می شد که گاهی در حد رئالیسم انتقادی بود و گاهی هم رگه هایی از رئالیسم سوسیالیستی در آن دیده می شد. این در واقع تأثیر عامل خارجی یعنی اروپا و قفقاز بود که با واقعیت جامعه ی ما در آن زمان تناسب چندانی نداشت؛ زیرا در شرایط آن روز ایران زمینه ی مساعدی برای پذیرش اینگونه افکار وجود نداشت پس طبعاً خوب درک و هضم نمی شد.

افکار متناقض و رنگارنگ در آثار یک فرد واحد در آن دوره دیده می شد؛ مثلاً، ایرج میرزا و ملک الشعرا ی بهار فقط آدمهای آزادیخواه و لیبرالی بودند، اما در آثار خود، گاهی هم از رنجبران و زحمتکشان حمایت کرده اند، این هواداری از روی احساسات انسان دوستانه بوده است و البته تأثیر افکار مترقی ایرانیان قفقاز را در آن می توان دید. به عنوان مثال ایرج میرزا شعری به نام "کارگر و کارفرما" دارد که اولاً تصویری که شاعر از یک کارگر در ذهن داشته، همان دهقانی است که بر سر زمین کار می کند، نه کارگر در آن مفهومی که در میان سوسیالیستها رواج داشت؛ ثانیاً در این شعر

فقط به کارفرما نصیحت می کند که از روی کبر و غرور و خودخواهی به کارگر نگاه نکند؛ انگار اگر با مهربانی کسی را است شمار کنند اشکالی ندارد!

اما در هر حال این واقعیتی بود که از چند سال قبل افکار روشنفکری در ایران رشد کرده بود. کسانی چون سید جمال الدین اسدآبادی، ملکم خان، آخوند زاده و میرزا آقاخان کرمانی اندیشه های نو و مردمی را به ایران پیش از مشروطه عرضه کردند. و بعدها شاعران و نویسندگانی چون مراغه ای، طالبوف، عشقی، عارف، ایرج میرزا، ادیب الممالک، فرخی و... تحت تأثیر آنها قرار گرفتند. کسی مانند میرزا آقاخان کرمانی در نقد میراث ادبیات کهن می نویسد: "باید ملاحظه نمود که تاکنون از آثار ادبا و شعرای ما چه نوع تأثیر به عرضه ی ظهور رسیده و نهالی که در باغ سخنوری نشانده اند چه تأثیر بخشیده و تخمی که کاشته اند چگونه نتیجه داده است. آنچه مبالغه و اغراق، گفته اند نتیجه ی آن جز مرکوز ساختن دروغ در طبایع ساده ی مردم بوده است؟ آنچه مدح و مدهانه کرده اند، نتیجه ی آن تشویق وزرا و ملوک به انواع رذایل و سفاهت شده است، آنچه عرفان و تصوف سروده اند ثمری جز تبلی و کسالت حیوانی و تولید گدا و قلندر نداده است، آنچه تغزل گل و بلبل ساخته اند نتیجه ای جز فساد اخلاق جوانان و سوق ایشان به ساده و باده نبخشوده است." [۶، صص ۳۳۴ و ۳۳۵]

هر چند نظری که در اینجا میرزا آقاخان کرمانی درباره ی گذشته ی ادبیات ایران می دهد تند و افراطی است و چندان با واقعیت مطابقت ندارد، ولی او و دیگر روشنفکران با نوشتن انتقاداتی تند و کوبنده ای از این دست باعث بیداری ایرانیان در دوره های بعد شدند و مضمون و محتوای شعر را تغییر دادند. از آن به بعد است که "شعر غالباً به عنوان ابزاری فرهنگی در خدمت آرمان های اجتماعی و انسانی قرار گرفت و شاعر کوشید تا با بهره گیری مناسب از این ابزار، به رسالت مفروض خود یعنی بیدارگری اجتماعی هرچه پر شورتر و مؤمنانه تر روی آورد." [۶۲، ص ۵۹]

در شعر این دوره شاعران کوشیدند شعر را که حالتی تفننی، تجملی و تزیینی پیدا کرده بود، از انحصار خواص و بزرگان خارج کنند و به میان توده های مردم ببرند و از مسائل زمان خود، به زبان مردم و برای مردم سخن بگویند. اما باز این مسائل جدید را، به طور کلی بیان می کردند و این خود نشان دهنده ی تلقینی بودن هنر آنها بود. در شعر شاعران "چشم نرگس"، "موی میان" و "قد سرو" جای خود را به "آزادی و استبداد" و "فقیر و ثروتمند" داد. باز هم کلی گویی می شد و مسائل، تنها سطحی مطرح می شد و به عمق آنها راه نمی جستند و برخورد مشخص با واقعیت و رابطه ی نزدیک و مستقیم با آن نداشتند.

در بین هنرمندان، شاعران و نویسندگان ایرانی از همان زمان انقلاب مشروطیت تا کنون افراد زیادی را می توان دید که هر یک در برخی از آثار خود چنین گرایشی داشته اند: میرزاده عشقی،

فرخی یزدی، لاهوتی، نیما یوشیج، احمد شاملو، کسرای و... همه در آثار خود چنین بوده اند در نشر هم بهترین نمونه هایی که داشتیم صمد بهرنگی و احمد محمود، بزرگ علوی و چند تن دیگر بوده اند.

نگاهی به پیشینه ی ادبیات کارگری قبل از ۱۳۲۰

ایرانیان در سالهای قبل از مشروطه همزمان با تجددطلبیشان با اندیشه های سوسیالیستی آشنا شدند، و کم کم این اندیشه ها را وارد شعر و نشر کردند، پس در نخستین سالهای پس از انقلاب مشروطه، ادبیات کارگری پدید آمد، و در همان سالها روزنامه ها و نشریاتی خاص مسائل کارگری منتشر شد که در هر شماره مقداری نیز ادبیات کارگری داشتند؛ از جمله این روزنامه ها، روزنامه ی "آموزگار" بود، در زیر به نمونه ای از اشعار کارگری که در این روزنامه چاپ شده، اشاره می کنیم:

ای رنجبران بی بصری تا کی و تا چند

غفلت ز حقوق بشری تا کی و تا چند

آخر به تفکر نظری سوی اجانب

ز اوضاع جهان بیخبری تا کی و تا چند؟...

(ادوار شعر فارسی، ص ۳۸)

در واقع در این زمان کارگران ایرانی که برای کار به قفقاز و باکو رفت و آمد داشتند با اندیشه ها و افکار نوی انقلابی آشنا شده، افکار سوسیالیستی را به ایران منتقل می کردند و به زودی به تقلید از آنها در ایران احزاب و سازمانهایی تأسیس کردند. این اندیشه ها با شعارهای عدالت طلبانه و مساوات جویانه توجه روشنفکران و شاعران را به خود جلب کرد به زودی بعضی از شاعران و نویسندگان تحت تأثیر آن افکار به ایجاد آثاری پرداختند.

پیش از معرفی بعضی از شاعرانی که رگه هایی از شعر کارگری داشتند، لازم است مختصری با "علی اکبر صابر" شاعر قفقازی آشنا شویم زیرا چندتن از شاعران این دوره از شیوه ی انتقادی او در شعر پیروی کرده اند؛ و در سرودن اشعار کارگری خود تحت تأثیر او بودند.

صابر که از شاعران بزرگ و مبارز آذربایجان است، در سال ۱۲۷۹ ه. ق در "شماخی" یکی از شهرهای قدیمی شیروان به دنیا آمد. او در حالی که در مدرسه تحصیل می کرد به سرودن شعر پرداخت. چند سال بعد پدرش او را از تحصیل منع کرد و او به کار در دکان پدر مشغول شد.

سال ۱۹۰۵ م فرا رسید و بعد از جریان شکست روسیه از ژاپن، آتش انقلاب در سراسر کشور شعله ور شد. در همین سالها روزنامه ای فکاهی به نام "ملا نصرالدین" در قفقاز منتشر شد که بسیاری از روشنفکران و آزادیخواهان را گرد خود جمع کرد و صابر نیز اشعار خود را در آن به چاپ رساند.

"صابر از حیث مضامین اشعار و خصوصیات هنریش شاعری است رئالیست و متجدد، که انقلابی در ادبیات آذربایجان پدید آورده است، با اینکه اشعار صابر به زبان ترکی سروده شده اند،

ترجمه ی فارسی آثار او دلپذیر و هیجان انگیز است." [۴، ص ۴۷]

صابر از استبداد مطلقه ی شاهان ایران ، خودسری مالکان ، عقب ماندگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران ، وضعیت رقت بار دهقانان زحمتکش ایرانی و ۰۰۰اطلاعات زیادی داشت بنابراین " در طنزهای صابر ماهیت حکومت مطلقه ، ظلم و فساد اجتماعی ، سیاست داخلی و خارجی دولت و چهره ی شاه مستبد و ۰۰۰ به خوبی ترسیم شده است " [۴، ص ۵۶]

در زیر نمونه ای از شعر فکاهی میرزا علی اکبر صابر را نقل می کنیم:

وارونه شده کار جهان ، گردش عالم	حالا شده هر کارگری داخل آدم
یعنی چه؟ به هر کار دخالت بکند او؟	یا پهلوی ارباب جسارت بکند او؟
بر یک نفس راحت جرئت بکند او	بالخاصه سر فرد عداوت بکند او؟

واونه شده کار جهان گردش عالم

حالا شده هر کارگری داخل آدم

حرمت ز چه خواهی تو بگو کارگزار	آخر ز چه رو هست ترا قدرت گفتار
ول کن پسرک! خدمت منعم به از این کار	دادند کم و بیش به تو شکر بجا آر

وارونه شده کار جهان گردش عالم

حالا شده هر کارگری داخل آدم

[تاریخ اجتماعی ایران ، ص ۳۸۹]

یکی از شاعران این دوره که تأثیر زیادی از صابر گرفت ، "سید اشرف الدین گیلانی" روحانی معروف به " نسیم شمال " است . سید اشرف الدین در سال ۱۲۸۷ هـ ق در قزوین به دنیا آمد . او تحصیلات ابتدایی خود را در تبریز گذراند و هیئت و جغرافی و منطق و صرف و نحو و دیگر علوم دینی را در همانجا فراگرفت . او چندی بعد به گیلان رفت و در رشت اقامت گزید . و سه ماه پس از بمباران مجلس ، روزنامه ی فکاهی " نسیم شمال " را در رشت منتشر کرد که با استقبال عموم مردم مواجه شد .

آقای سعید نفیسی در این باره می گوید: " این روزنامه نه چشم پرکن بود ، نه خوش چاپ ، مدیر آن و کیل و سناتور و وزیر سابق هم نبود . پس مردم چرا اینقدر این را می پسندیدند ؟ از خود مردم پرسید . نام این روزنامه به اندازه ای بر سر زبانها بود که سید اشرف الدین قزوینی ، مدیر آن را ، مردم به نام آقای نسیم شمال می شناختند و همه او را آقای نسیم شمال صدا می کردند . " [مقاله ی استاد سعید نفیسی (مجله ی سیاه و سپید) ، شهریور ۱۳۳۴ ش]

به نظر ایشان سید اشرف الدین ، محبوبترین و معروفترین شاعر ملی عهد انقلاب است ، او به تمام معنی حامی و طرفدار طبقات زحمتکش بود و از طبقات ممتاز ، در هر مقام که بودند ، بیزار و گریزان بود .